

تأثیر نوسانات فزآینده اقتصادی بر ظرفیت مجاز نگهداری شرکت های بیمه

محمود محمد کریمی^۱

چکیده

هدف این مقاله بررسی تأثیر نوسانات رو به رشد اقتصادی بر ظرفیت مجاز نگهداری شرکت های بیمه است. برای این منظور، از مدل رگرسیونی داده های تلفیقی در دوره زمانی ۱۳۹۷-۱۴۰۰ استفاده شد. نتایج نشان داد نوسانات رو به رشد اقتصادی، نسبت جاری و نسبت مالکانه بر ظرفیت مجاز نگهداری تأثیر مثبت و معنا دار دارند؛ در حالی که ضریب خسارت، نسبت ذخایر بر توانگری مالی تأثیر منفی داشته اند. بر اساس نتایج، پیشنهاد می شود شرکت های بیمه طیف فعالیتشان را از شرکت های اهرمی به سمت شرکت های سرمایه ای سوق دهند؛ ذخایر را در بخش های دیگری به جز بدهی ها در ترازنامه های شرکت های بیمه به حساب آورند؛ بازه ای معین را به عنوان بازه مطلوب برای نسبت جاری خود تعیین نمایند و گروهی از حق بیمه ها را متناسب با متوسط خسارات عاید شده تعیین نمایند.

واژگان کلیدی: نوسانات اقتصادی، ظرفیت مجاز نگهداری، نسبت ذخایر، ضریب خسارت، نسبت های جاری و مالکانه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ معاون اداره بیمه های انکایی نفت و انرژی بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران Karimi.mahmood@yahoo.com

مقدمه

یکی از اهداف اصلی بیمه، سالم نگاه داشتن چرخه اقتصادی جامعه از طریق حفظ سرمایه های ملی و ایجاد محیطی مطمئن برای افراد جامعه است که در واقع پاسخی است به اصلی ترین نیاز بیمه گذاران، یعنی امنیت در قبال خطراتی که جان و مال آن ها را تهدید می کند. به منظور حمایت از بیمه گذاران و اطمینان از ثبات و مثبت بودن وضعیت آتی مالی شرکت های بیمه، قانون گذاران بیمه، قوانینی برای نظارت مالی شرکت های بیمه وضع کرده اند. گردش مالی بسیار بالا، صدور بیمه نامه های بسیار زیاد و حجم بالای تعهدات ناشی از آن ها (تعهداتی که مربوط به آینده بوده، میزان آن نامشخص است و طیف گسترده ای از افراد جامعه ذینفع آن هستند) ضرورت وجود یک سیستم کارآمد برای نظارت بر این گونه فعالیت ها را آشکار می سازد (میرزایی و میرزاخانی، ۱۳۷۹).

نکته مهم دیگر ورشکستگی شرکت های بیمه است که در مقایسه با سایر شرکتها در صنایع می تواند اثرات مالی سوئی بر مشتریان این صنعت و بر آحاد جامعه داشته باشد؛ به این دلیل که ورشکستگی شرکت های بیمه مساوی با در خطر افتادن موجودیت اقتصادی بیمه گذاران و اشخاص ثالث است (صحت، ۱۳۸۸). همچنین در چنین شرایطی علاوه بر نقش سنتی نظارت یعنی حمایت از بیمه گذاران لازم است که منافع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ملی کشورها نظیر هماهنگی فعالیت های سرمایه گذاری شرکت های بیمه با سیاست های اقتصادی دولت و جلوگیری از خروج ارز از طریق بیمه اتکایی نیز مورد توجه حدی قرار گیرد (همان).

امروزه نهادهای ناظر از روش جدید نظارت مالی یعنی نسبت ظرفیت مجاز نگهداری برای بررسی وضعیت مالی و اندازه گیری ریسک شرکت های بیمه استفاده می کنند. بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز از سال ۱۳۹۱، به عنوان نهاد ناظر با در نظر گرفتن معیار ظرفیت مجاز نگهداری، اقدام به نظارت بر شرکت های بیمه کرده است. با توجه به خصوصی سازی و تغییر ساختار دولتی صنعت بیمه در ایران و همچنین ورشکستگی های شرکت های بیمه، این روش جدید نظارت یعنی بررسی ظرفیت مجاز نگهداری اهمیت دوچندانی یافته است؛ لذا ضروری است تا عوامل موثر بر ظرفیت مجاز نگهداری شرکت های بیمه بررسی شود. از جمله عوامل اثر گذار می توان به ریسک های اعتبار، نقدینگی، بیمه گری و... و همچنین متغیرهای اقتصادی اشاره کرد؛ اما از آنجا که مبحث بیمه از جمله مواردی است که زمان در آن نقش زیادی دارد و هر چه زمان انجام یک معامله بیشتر باشد تاثیر تورم بر آن بیشتر می شود و همچنین با توجه به روند نرخ فرآینده نوسانات اقتصادی در ایران، ضروری است تا به این پرسش که تاثیر رشد نوسانات اقتصادی بر ظرفیت مجاز نگهداری شرکت های بیمه در ایران چگونه است، پاسخ داده شود. براین اساس، مقاله حاضر به آزمون این فرضیه که تاثیر تورم بر توانگری مالی شرکت های بیمه در ایران مثبت و معنا دار است، می پردازد.

نوآوری این مقاله نسبت به مطالعات پیشین به دلیل بررسی متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده در دوره زمانی طولانی تر است. بدین منظور، از مدل رگرسیونی داده های تلفیقی برای بررسی تاثیر تورم بر توانگری مالی شرکت های بیمه در ایران طی دوره ۱۴۰۰-۱۳۹۷ استفاده می شود. برای دست یابی به این هدف، مقاله در پنج بخش تنظیم شده است. بعد از مقدمه، بخش ادبیات موضوع مرور شده و به دنبال آن وضعیت موجود صنعت با استفاده از آمارهای توصیفی معرفی شده است. بخش چهارم به برآورد مدل و تحلیل نتایج تجربی اختصاص یافته است و در انتها نتیجه گیری و پیشنهادهاى سیاسی بیان شده است.

مروری بر ادبیات موضوع

برای نظارت بر عملکرد شرکت های بیمه روش های متعددی وجود دارد که هر کدام ویژگیهای خاص خود را داشته و در کشورهای مختلف کاربرد دارد (هاشمی، صفری و کمالی دولت آبادی، ۱۳۸۹). از مهم ترین روش های نظارت می توان به سه روش زیر اشاره کرد.

الف) نظارت تعرفه ای

نظارت تعرفه ای به معنای تعیین یا تایید نرخ و شرایط قراردادهای بیمه ای توسط نهاد ناظر است (مظلومی، ۱۳۸۸).

ب) نظارت مشارکتی (اتکایی اجباری)

نظارت مشارکتی (اتکایی اجباری) به معنای اجبار شرکت های بیمه به واگذاری اجباری درصدی از عملیات خود تحت عنوان اتکایی اجباری و اعمال نظارت بر صدور بیمه و پرداخت خسارت است (مظلومی، ۱۳۸۸).

پ) نظارت مالی

نظارت مالی به مفهوم تعیین شاخص های لازم برای درجه ماندگاری و توانگری شرکت های بیمه، کنترل روند تغییرات شاخص ها و دخالت عملی در جهت صیانت از حقوق بیمه گذار است؛ در شرایطی که بقا و توانگری مالی شرکت های بیمه در ایفای تعهداتشان خدشه دار شده است (مظلومی، ۱۳۸۸).

در شیوه نظارت مالی نهاد نظارتی به حد اعسار شرکت توجه می کند؛ به نحوی که شرکتهای بیمه از قدرت و توان مالی برای ایفای تعهدات خود برخوردار باشند و نهاد ناظر به جزئیات عملیات و نرخ تعرفه چندان اهمیتی نمی دهد. در عین حال، بازار نیز رقابتی است. گفتنی است در این سیستم نظارت بر تعرفه وجود ندارد؛ اما نظارت فنی وجود دارد. شرایط عمومی بیمه نامه ها و نحوه اخذ نرخ و شرایط از بیمه گران اتکایی را نهاد نظارتی کنترل می کند تا حقوق بیمه گذاران و بیمه شدگان مورد حمایت قرار گیرد (کریمی، ۱۳۸۶).

در مجموع، نظارت مالی بر شرکت های بیمه شیوه ای است که سال هاست در بسیاری از کشورهای جهان جایگزین روش های دیگر نظارت شده است. از ابزارهای پیاده سازی نظارت مالی، ظرفیت مجاز نگهداری و الزامات و استانداردهای مربوط به آن است که در صنعت بیمه مورد استفاده قرار می گیرد.

ظرفیت مجاز نگهداری

بدهی های اصلی یک متصدی بیمه، خسارت های قابل پیش بینی و هزینه های مرتبط با آن است که معمولاً با استفاده از روش های آماری محاسبه می شوند و احتمال خطا در آن ها وجود دارد. برای محافظت از بیمه گذاران و اطمینان از ثبات بازارهای مالی، نگهداری مقادیر مشخصی دارایی اضافی توسط متصدیان بیمه به عنوان یک سپر محافظ الزامی است که به آن حاشیه توانگری مالی گفته میشود و عبارت است از دارایی های شرکت منهای بدهی های آن؛ این تعریفی است که اولین بار پنتیکاینن برای حاشیه توانگری مالی که در اصل تعیین کنند؛ ظرفیت مجاز نگهداری شرکت می باشد، ارائه نموده است (هاشمی، صفری و کمالی دولت آبادی، ۱۳۸۹).

نسبت توانگری مالی

نسبت حاشیه توانگری مالی تعیین می کند که آیا یک متصدی بیمه به حداقل الزامات کفایت سرمایه که از طرف مقامات ناظر تعیین شده دسترسی دارد. وجود چنین نسبتی به این علت است که باید جهت حفظ منافع عمومی جامعه و بیمه شدگان، برای زیان های احتمالی بیمه گران پیش بینی هایی صورت گیرد. این نسبت در مفهوم کلی از تقسیم حاشیه توانگری مالی موجود هر شرکت به حاشیه توانگری مالی الزامی که توسط ناظرین قانونی تعیین می شود به دست می آید (هاشمی، صفری و کمالی دولت آبادی، ۱۳۸۹).

حاشیه توانگری مالی موجود = نسبت توانگری مالی

حاشیه توانگری مالی الزامی

حاشیه توانگری مالی موجود

حاشیه توانگری مالی موجود عبارت است از دارایی های یک شرکت منهای بدهی های آن، با اعمال محدودیت های مرتبط با دارایی ها. اعمال چنین محدودیت هایی در دارایی ها باعث می شود حاشیه توانگری مالی موجود، منبعی باشد که نقدینگی بسیار بالایی داشته و اطمینان قابل توجهی از موجود بودن آن در شرایط بحرانی وجود داشته باشد (هاشمی، صفری و کمالی دولت آبادی، ۱۳۸۹).

حاشیه توانگری مالی الزامی

بیمه گذارانی که به شرکت های بیمه مراجعه می کنند تعهدی را از شرکت خریداری می کنند که مربوط به آینده می شود. لازم است این افراد از توانایی شرکت بیمه نسبت به تعهداتی که می پذیرد، اطمینان حاصل کند؛ لذا در تصمیم گیری برای خرید خدمات بیمه ای، ارزیابی توان مالی شرکت بیمه امری حیاتی است. هدف اصلی نظارت بر بیمه نیز آن است که اطمینان حاصل شود شرکت های بیمه توان

ایفای تعهداتی که پذیرفته اند را دارند (میرزایی و میرزاخانی، ۱۳۷۹). لذا در این راستا شرکت های بیمه ملزم می شوند مبلغ حاشیه توانگری مالی موجود خود را به بالاتر از سقف قانونی تعیین شده برسانند تا احتمال ورشکستگی آن ها و در نتیجه آسیب رسیدن به منافع بیمه گذاران به حداقل برسد. به سقف قانونی تعیین شده از سوی مقامات نظارتی، حاشیه توانگری مالی الزامی گفته می شود (هاشمی، صفری و کمالی دولت آبادی، ۱۳۸۹).

در مجموع، می توان عواملی مانند ریسک های اعتبار، نقدینگی، بیمه گری، بازار و... و همچنین متغیرهای مالی و اقتصادی را از عوامل تاثیرگذار بر توانگری مالی موسسات بیمه دانست. در کنار عوامل یادشده یکی از مهم ترین متغیرهای کلان اقتصادی که بر توانگری مالی شرکت های بیمه موثر است، تورم می باشد؛ زیرا بحث بیمه از جمله مواردی است که زمان در آن نقش زیادی دارد و هرچه زمان انجام یک معامله بیشتر باشد تاثیر تورم بر آن بیشتر می شود؛ لذا در ادامه به بررسی تاثیر تورم بر توانگری مالی شرکتهای بیمه پرداخته شده است.

نقش تورم در توانگری مالی

معاملات بیمه ای همواره دارای یک سری هزینه ها و درآمدها است. عمده ترین هزینه ها در معاملات بیمه ای عبارتند از خسارت های پرداختی مختلف بر حسب قراردادهای، هزینه های عمومی و اداری و مالیات ها. درآمدهای حاصل از معاملات بیمه ای نیز در حالت کلی شامل اقلامی مانند حق بیمه های دریافتی و درآمد حاصل از سرمایه گذاری ها می باشد. نوسانات رو به رشد قیمت ها می تواند از جهات مختلفی مانند حق بیمه های دریافتی، سرمایه گذاری افراد و سرمایه گذاری شرکت های بیمه، خسارات، ریسک و تقاضای بیمه بر توانگری مالی شرکتهای بیمه تاثیر بگذارد. در ادامه به شرح هر یک پرداخته می شود.

تأثیر نوسانات رو به رشد اقتصادی بر ظرفیت مجاز نگهداری شرکت های بیمه از منظر حق بیمه های دریافتی

به نظر می رسد نوسانات روبه رشد اقتصادی از طریق افزایش حق بیمه های دریافتی، موجب افزایش ظرفیت مجاز نگهداری شرکت بیمه می شود؛ زیرا بر اثر نوسان قیمت ارزش موضوع بیمه افزایش می یابد و به تبع آن حق بیمه نیز که بر اساس سرمایه بیمه شده تعیین می شود، خود به خود بالا می رود؛ ولی مسئله بدین سادگی نیست؛ زیرا:

اولاً، در بعضی از بیمه ها رابطه بین سرمایه بیمه و حق بیمه وجود ندارد، مثل بیمه اتومبیل که در آن ممکن است حق بیمه بر مبنای قدرت موتور یا تعداد صندلی های آن تعیین شود و یا بیمه محصولات کشاورزی که حق بیمه بر مبنای سطح زیر کشت تعیین می شود و در نتیجه نوسان قیمت از این منظر تاثیری بر ظرفیت مجاز نگهداری ندارد.

ثانیا، بین زمان وصول حق بیمه و وقوع خسارت همیشه فاصله ای وجود دارد که تورم در این فاصله ممکن است به حدی باشد که زیان هنگفتی برای بیمه گر به وجود آورد و موجب کاهش ظرفیت مجاز نگهداری شرکت بیمه گردد (کریمی، ۱۳۷۶).

تأثیر نوسانات رو به رشد اقتصادی بر ظرفیت مجاز نگهداری شرکت های بیمه از منظر سرمایه گذاری

تأثیر نوسانات روبه رشد اقتصادی از دو منظر قابل بررسی است: نخست، سرمایه گذاری شرکت های بیمه و سپس سرمایه گذاری سایر بخش های اقتصادی.

شرکت های بیمه برای افزایش ظرفیت مجاز نگهداری خود، قسمتی از وجوه حاصل از فروش خدمات بیمه ای خود را سرمایه گذاری می کنند؛ اما نوسانات رو به رشد اقتصادی و ناطمینانی حاصل از این امر، موجب افزایش ریسک گریزی در شرکت های بیمه و مشوق سرمایه گذاری های کوتاه مدت می شود؛ لذا این شرکتها در جاهایی که بازدهی کمتری دارند، سرمایه گذاری می کنند و این موجب کاهش سود شرکت های بیمه و حتی در برخی موارد موجب زیان این شرکت ها و کاهش ظرفیت مجاز نگهداری آن ها می شود.

اما از طرفی رشد قیمت ها می تواند موجب افزایش سرمایه گذاری افراد در ساختمان و ماشین آلات شده و در نتیجه، موجب افزایش حق بیمه های دریافتی آتش سوزی و نظیر آن شود و افزایش حق بیمه دریافتی نیز باعث بهبود و افزایش ظرفیت مجاز نگهداری شرکت های بیمه می شود (پیکارجو، امامی و صباغی، ۱۳۹۱).

تأثیر نوسانات رو به رشد اقتصادی بر ظرفیت مجاز نگهداری شرکت های بیمه از منظر خسارات با افزایش قیمت ها، تعهدات بیمه گر سنگین تر می شود؛ به ویژه در مواردی که رسیدگی و تصفیه یک پرونده خسارت، نیازمند زمانی طولانی است؛ زیرا گذشت زمان موجب بالا رفتن رقم خسارت می شود و این به زیان بیمه گر است؛ لذا افزایش قیمت می تواند از کانال خسارات تأثیر منفی بر ظرفیت مجاز نگهداری شرکت بیمه داشته باشد. بدین سبب در چنین حالتی بیمه گران علاقه مند هستند که رقم خسارت را هر چه زودتر معین سازند (قنبرزاده و جعفرزاده، ۱۳۷۶).

تأثیر نوسانات رو به رشد اقتصادی بر ظرفیت مجاز نگهداری شرکت های بیمه از منظر ریسک افزایش قیمت می تواند ریسک در بازار را به دلیل بی ثباتی قیمت ها افزایش دهد و یا موجب عدم کفایت دارایی های جاری شرکت بیمه برای ایفای تعهداتش شود و ریسک نقدینگی شرکت های بیمه را نیز بالا برد و موجب کاهش توانایی مالی موسسات بیمه برای پوشش ریسک های پذیرفته شده خود شود و از این طریق نیز بر ظرفیت مجاز نگهداری شرکت های بیمه تأثیر منفی بگذارد.

تأثیر نوسانات رو به رشد اقتصادی بر ظرفیت مجاز نگهداری شرکت های بیمه از منظر تقاضای

بیمه

افزایش تقاضای بیمه موجب افزایش حجم حق بیمه های دریافتی و در نتیجه بهبود ظرفیت مجاز نگهداری شرکت های بیمه می شود. خدمات بیمه ای نیز همانند هر کالای دیگری اگر دارای قیمت بالاتری باشند، حتی اگر بیمه را به عنوان یک کالای ضروری در طبقه از سطح درآمدی بدانیم، یک عده از افراد توانایی خرید آن را نخواهند داشت. مخصوصاً در کشورهایی که درآمدها متناسب با نوسانات اقتصادی تعدیل نمی شوند، قدرت خرید واقعی افراد کم شده و تقاضا برای خرید خدمات بیمه ای نیز همچون سایر کالاها کاهش چشمگیری خواهد داشت. نوسانات رو به رشد اقتصادی در رابطه با تقاضا دو تاثیر جداگانه دارد. نخست در صورتی که متناسب با افزایش قیمت ها درآمدها نیز بالا نرود، قدرت خرید واقعی افراد کم می شود و تقاضا برای خرید خدمات بیمه ای نیز کاهش می یابد و در نتیجه حجم حق بیمه های دریافتی و به تبع آن توانگری مالی شرکت های بیمه و در نتیجه ظرفیت مجاز نگهداری شرکتها کاهش می یابد. دوم اینکه ممکن است در شرایط بالا رفتن قیمتها به دلیل این که هزینه جایگزینی کالاها بالا رفته است و یک جو نا اطمینانی در رابطه با قیمت کالاها به وجود آمده است، در صورتی که فرد متناسب با شرایط نوسان قیمتها دارای درآمد واقعی بالاتری باشد تقاضا برای خرید خدمات بیمه ای بیشتر شود و در نتیجه حجم حق بیمه های دریافتی و به تبع آن توانگری مالی و ظرفیت مجاز نگهداری شرکت های بیمه نیز افزایش یابد (قنبرزاده و جعفرزاده، ۱۳۷۶).

پیشینه پژوهش

آسنگا، اسمیت ، بدچو و هبرمن (۲۰۱۴) در مطالعه ای به بررسی توانگری مالی شرکتهای منتخب بیمه ای اروپا با رویکرد ترکیب بهینه پرتفوی پرداختند. نتایج حاکی از آن است که ارتباط مستقیم و معناداری بین ترکیب بهینه پرتفوی و توانگری مالی شرکتهای منتخب وجود دارد.

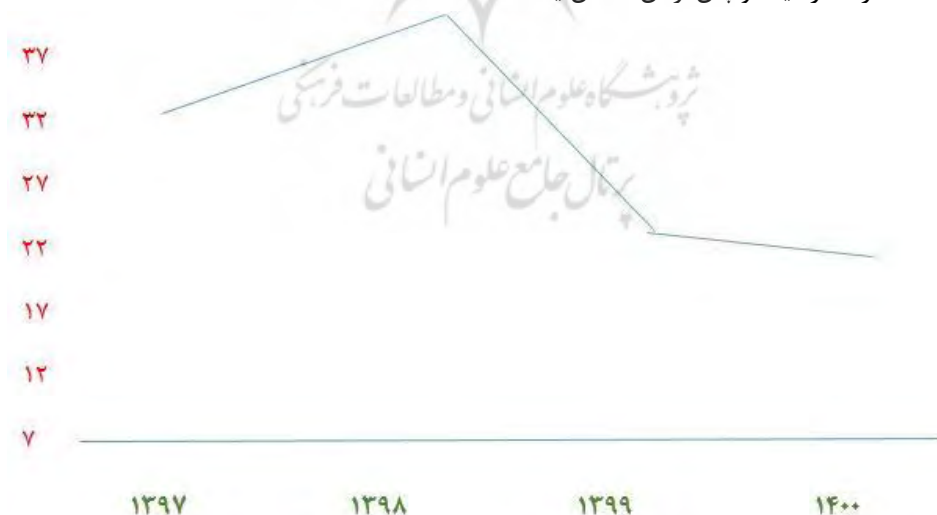
درسی و میانی (۲۰۰۸) در پژوهشی به محاسبه و پیشنهاد حاشیه توانگری مالی برای بیمه های غیر زندگی ایتالیا پرداختند. آن ها با استفاده از اطلاعات مالی ۷۳ شرکت بیمه غیر زندگی ایتالیا طی سال های ۲۰۰۶-۲۰۰۱ این شاخص را محاسبه نمودند. نتایج این پژوهش نیز افزایش ظرفیت مجاز نگهداری شرکتها را نشان می داد.

جهانشاد، پور زمانی و حیدری زاده (۱۳۹۳) در مطالعه ای به بررسی رابطه بین متغیرهای مالی سود خالص و فروش و متغیرهای اقتصادی و تورم و درآمد سرانه شرکتهای بیمه خصوصی ایران در سال های ۱۳۹۱-۱۳۹۰ با استفاده از دو مدل توانگری مالی کمپن و بازل (آیین نامه ۶۹ بیمه مرکزی) پرداخته اند. در این راستا برای آزمون مدل های تحقیق از روش رگرسیون داده های ترکیبی استفاده شده است.

یافته های تحقیق نشان می دهد که ظرفیت مجاز نگهداری شرکت ارتباط مستقیمی با سود خالص، فروش و درآمد سرانه و ارتباط معکوسی با نوسانات رو به رشد اقتصادی دارد. برزیده و احمدی زاد (۱۳۹۲) در مطالعه ای به شناسایی عوامل موثر بر سلامت و ثبات مالی شرکت های بیمه پرداخته اند. در این مقاله تعداد ۲۴ متغیر مالی موثر بر سلامت مالی در قالب پنج عامل نسبت های کفایت سرمایه، نسبت های سودآوری، نسبت های نقدینگی، نسبت های عملیاتی و ریسک پذیری و سایر عوامل اساسی شناسایی و معناداری رابطه آن ها با متغیر وابسته سلامت مالی با آزمون های آماری ناپارامتریک آزمون شده است. نتایج نشان داد که تمامی عوامل پنجگانه، موثر و معنادار است. صفری، سرلک و نصیری (۱۳۹۲) در مطالعه ای به بررسی ارتباط بین سیستم ظرفیت مجاز نگهداری و چند نسبت مالی که معرف ریسک های مختلفی در موسسات بیمه هستند، پرداخته اند. دوره زمانی مورد بررسی سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ و نمونه انتخابی شامل ۲۲ شرکت بیمه است. پژوهش با استفاده از روش رگرسیون انجام شده است. نتایج حاصل حاکی از آن است که یک رابطه خطی بین متغیرهای مستقل و وابسته وجود دارد و همچنین بین نسبت توانگری مالی و نسبت های مالی شامل نسبت جاری، نسبت مالکانه، نسبت ذخایر و ضریب خسارت، ارتباط معناداری وجود دارد و در این میان نسبت مالکانه بیشترین رابطه را با شاخص توانگری مالی دارد.

نوسانات رو به رشد اقتصادی

نمودار زیر نرخ نوسانات رو به رشد اقتصادی را در سال های ۱۳۹۷-۱۴۰۰ نشان می دهد. با توجه به نمودار، نرخ نوسانات رو به رشد اقتصادی در بازه زمانی مورد نظر، در سال ۱۳۹۸ به بیشترین مقدار خود یعنی ۳۷/۴ درصد رسیده و پس از آن کاهش یافته است.



نمودار (۱): نرخ نوسانات روبه رشد اقتصادی در سال های ۱۳۹۷-۱۴۰۰

نسبت جاری

این شاخص بدین مفهوم است که شرکت در مقابل بدهی های کوتاه مدت خود چه میزان دارایی جاری در اختیار دارد و هر چه این نسبت بالاتر باشد، با فرض این که این گونه دارایی ها با کیفیت باشند (یا نقد باشند و یا بتوان به سرعت آن را به وجه نقد تبدیل کرد)، نشانگر توان سریع شرکتها در ایفای تعهدات جاری است، البته باید توجه داشت بزرگ بودن بیش از حد این نسبت نیز نشانه این است که از دارایی های جاری به خوبی استفاده نشده است.

ضریب خسارت

یکی از نسبت های مهم مورد محاسبه صنعت بیمه ضریب خسارت پرداختی شرکت می باشد. این ضریب نشان می دهد که شرکت چند درصد از درآمد حق بیمه صادره خود را بابت خسارت سال جاری و خسارات معوق سال های گذشته پرداخت می کند. طبیعتاً ضریب خسارت پایین تر مبین ریسک پایین تر و سود ناخالص بیشتر شرکت است.

نسبت مالکانه

این نسبت قدرت مالی واحد تجاری را از نظر طلبکاران (به خصوص بستانکاران و اعتبار دهندگان بلند مدت) مشخص می کند و هرچه بالاتر باشد بیانگر آن است که واحد تجاری از استحکام بیشتری برخوردار است.

در واقع هر چه این نسبت کمتر باشد مبین این است که شرکت بخش بیشتری از دارایی هایش را از طریق ایجاد بدهی به دست می آورد و بالعکس. بنابراین نسبت مالکانه تاثیر زیادی در ظرفیت مجاز نگهداری شرکتها دارد.

نسبت ذخایر

نسبت ذخایر عبارت است از کل ذخایر فنی و ریاضی به کل دارایی ها. این نسبت توانگری آتی شرکت بیمه را نشان می دهد. شرکت های بیمه از پرتفوی خود ذخیره ای نگهداری می کنند که برای پرداخت خسارات از آن استفاده می شود. این منبع جدا از منابعی است که شرکت بیمه برای پرداخت هزینه های جاری خود از آن استفاده می کنند.

شرکت های بیمه در پایان هر سال موظفند به دلیل تعهداتی که برایشان ایجاد شده و افزایش توان مالی، بخشی از درآمدها را به عنوان ذخایر در حساب ها در نظر بگیرند. شرکت های بیمه می توانند از محل ذخایر خود سرمایه گذاری کنند. به دلیل حجم عظیم ذخایر در شرکت های بیمه باید نظارت و کنترل بر آن ها صورت گیرد.

زیرا اگر در مسیر صحیح سرمایه گذاری نشوند، ممکن است از فعالیت های مخرب اقتصادی نظیر دلالی و بورس بازی سر در بیاورند که هم منافع بیمه گذاران به خطر می افتد و هم اقتصاد ملی را با مشکل مواجه

می سازد. از آنجا که ذخایر در ترازنامه شرکت ها جز بدهی ها محسوب می شود هر چه نسبت ذخایر که کل ذخایر فنی و ریاضی به کل دارایی ها را نشان می دهد، بزرگتر باشد مبین این است که شرکت بخش کمتری از دارایی هایش را از طریق حقوق صاحبان سهام به دست می آورد و به عکس.

تجزیه و تحلیل داده های آماری

تجزیه و تحلیل الگوهای تلفیقی به عنوان روشی نوین در تجزیه و تحلیل های کاربردی رشته علوم اجتماعی و اقتصاد به شمار می رود. در این روش با استفاده از ترکیب داده های مقطعی و سری زمانی، روابط بین پدیده ها مورد بررسی قرار می گیرد. پیرو مطالعه صفری، سرلک و نصیری (۱۳۹۲) و از آنجا که هدف از ایجاد سیستم توانگری مالی، کنترل ریسک و ارزیابی توان مالی شرکت های بیمه به منظور اطمینان بیمه گذاران نسبت به پرداخت خسارت آتی است، برای تصریح مدل از متغیرهایی استفاده شده است که بتوانند اهداف عنوان شده را در بر داشته باشند، در نتیجه از نسبت جاری، نسبت مالکانه، نسبت ذخایر و ضریب خسارت که معرف ریسک های شرکت های بیمه هستند در کنار متغیر نوسانات رو به رشد اقتصادی استفاده شده است.

اطلاعات مربوط به متغیرهای یاد شده برای ۱۸ شرکت فعال در سرزمین اصلی صنعت بیمه بررسی شده، بنابراین در این پژوهش از روش تجزیه و تحلیل رگرسیونی الگوهای تلفیقی و مدل پایه ای زیر استفاده شده است.

$$Sol\ it = \alpha + \delta i + \theta t + \beta_1 lr\ it + \beta_2 cr\ it + \beta_3 rr\ it + \beta_4 er\ it + \beta_5 inf\ it + \varepsilon\ it$$

در رابطه فوق $Sol\ it$ بیانگر نسبت توانگری مالی شرکت آم در زمان t ، δi ضریب مربوط به اثرات مقطع، θt ضریب مربوط به اثرات زمان، $lr\ it$ ضریب خسارت شرکت آم در زمان t ، $crit$ نسبت جاری شرکت آم در زمان t ، $rr\ it$ نسبت ذخایر شرکت آم در زمان t ، $er\ it$ نسبت مالکانه شرکت آم در زمان t ، $inf\ it$ تورم شرکت آم در زمان t ، $\varepsilon\ it$ خطای برآورد داده های تلفیقی می باشد.

برای تعیین مدل بهینه آزمون های همگنی و هاسمن انجام شده و نتایج آن ها به شرح زیر است:

آزمون	آماره	Prob
Cross section F	۶/۹۷۷۶۸۰	۰/۰۰۰۰
Cross-section random	۴/۷۶۶۴۲۹	۰/۴۴۵

بر اساس نتایج آزمون های همگنی و هاسمن مدل نهایی این مقاله الگوی اثرات تصادفی یک طرفه در مقطع است که دارای عرض از مبدا ۹/۱۲ است که با توجه به آماره t و احتمال مربوط به آن از اعتبار آماری برخوردار است.

همچنین اثرگذاری ضریب خسارت بر توانگری مالی شرکت های بیمه منفی و معنادار است در واقع با افزایش ضریب خسارت، که به مفهوم افزایش نسبت خسارت ها به حق بیمه ها است، توانایی مالی شرکت های بیمه برای ایفای تعهدات خود نسبت به بیمه گذاران کاهش می یابد.

نسبت جاری بر ظرفیت مجاز نگهداری شرکتهای بیمه اثر مثبت دارد ولی از نظر آماری معنادار نیست. با افزایش نسبت جاری، که به معنای افزایش دارایی های جاری به بدهی های جاری است، از طرفی ریسک نقدینگی شرکت های بیمه کاهش می یابد و از طرف دیگر، سرمایه موجود شرکت های بیمه افزایش پیدا می کند و در نتیجه ظرفیت مجاز نگهداری شرکتهای بیمه نیز بهبود می یابد.

اثرگذاری نسبت ذخایر به ظرفیت مجاز نگهداری شرکت های بیمه منفی و معنادار است. از آنجا که در ترازنامه شرکتهای بیمه، ذخایر جز بدهی های شرکت محسوب می شود، هرچه نسبت ذخایر فنی و ریاضی به کل دارایی ها افزایش یابد، سرمایه موجود شرکتهای بیمه کاهش می یابد و در نتیجه ظرفیت مجاز نگهداری شرکتهای بیمه نیز کم می شود.

اثر گذاری نسبت مالکانه بر ظرفیت مجاز نگهداری شرکتهای بیمه مثبت و معنادار است. با افزایش نسبت مالکانه و افزایش نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارایی ها، ماهیت شرکتهای بیمه از شرکتهای اهرمی به سمت شرکتهای سرمایه ای می رود و در نتیجه قدرت مالی شرکت (به خصوص از نظر بستانکاران و اعتباردهندگان بلند مدت) از استحکام بیشتری برخوردار می شود و در نهایت موجب افزایش توانایی مالی شرکت در ایفای تعهداتش می شود.

از آنجا که نسبت مالکانه یعنی نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارایی ها و نسبت ذخایر یعنی نسبت ذخایر فنی و ریاضی به کل دارایی ها را می توان به نوعی مقابل یکدیگر دانست، انتظار می رفت که ضریب این دو نسبت نیز معکوس یکدیگر باشند.

اثر گذاری نوسانات اقتصادی بر ظرفیت مجاز نگهداری شرکتهای بیمه مثبت و معنادار است. ممکن است در شرایط تورمی به دلیل این که هزینه جایگزینی کالاها بالا رفته است و یک جو نااطمینانی در رابطه با قیمت کالاها به وجود آمده است، در صورتی که فرد متناسب با شرایط تورمی دارای درآمد واقعی بالاتری باشد، تقاضا برای خرید خدمات بیمه ای بیشتر شود و در نتیجه حجم حق بیمه های دریافتی و به تبع آن ظرفیت مجاز نگهداری شرکتهای بیمه نیز افزایش یابد.

جمع بندی و نتیجه گیری

مطابق یافته های پژوهش، نسبت جاری با توانگری مالی شرکتهای بیمه رابطه مثبت دارد؛ لذا شرکتهای بیمه برای افزایش ظرفیت مجاز نگهداری خود باید برای افزایش این نسبت اقدام کنند. اما افزایش بیش از حد این نسبت می تواند مبین این باشد که دارایی های جاری به خوبی استفاده نمی شوند و یا از منابع اعتباری کوتاه مدت کم استفاده می شود. بنابراین به شرکتهای بیمه توصیه می شود تا با کارشناسی های دقیق بازه ای معین را به عنوان بازه مطلوب برای نسبت جاری خود تعیین نمایند.

از آنجا که ماهیت ذخایر می تواند بر ظرفیت مجاز نگهداری شرکتهای بیمه تاثیر مثبتی داشته باشد، پیشنهاد می شود تا با کارشناسی های دقیق آن ها را در بخش های دیگری به جز بدهی ها در ترازنامه های شرکت های بیمه به حساب آورند.

از آنجا که افزایش نسبت مالکانه می تواند بر ظرفیت مجاز نگهداری شرکتهای بیمه تاثیر مثبت داشته باشد به شرکت های بیمه توصیه می شود تا طیف فعالیتشان را از شرکتهای اهرمی به سمت شرکتهای سرمایه ای سوق دهند.



منابع

- آیین نامه ۶۹ (۱۳۹۰)، نحوه محاسبه و نظارت بر توانگری مالی موسسات بیمه
- برزیده، فرخ، پریزادی، عیسی، احمدی زاد، آرمان (۱۳۹۲). نسبت های مالی موثر بر سلامت مالی شرکتهای بیمه در ایران. پژوهشنامه بیمه، ۲ (۲۸): ۱۸۱-۲۰۱.
- پیکارچو، کامبیز، امامی، کریم، صباغی، نازنین (۱۳۹۱). بررسی تاثیر نااطمینانی تورم بر سرمایه گذاری شرکتهای بیمه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- سالنامه آماری صنعت بیمه (۱۳۹۷). انتشارات بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- سالنامه آماری صنعت بیمه (۱۳۹۸). انتشارات بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- سالنامه آماری صنعت بیمه (۱۳۹۹). انتشارات بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- سالنامه آماری صنعت بیمه (۱۴۰۰). انتشارات بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- صحت، سعید (۱۳۸۸). مطالعه تطبیقی نظام نظارت در بازار بیمه سایر کشورها. شانزدهمین همایش ملی بیمه و توسعه
- صفری، امیر، سرلک، نرگس، نصیری، ربابه (۱۳۹۲). رابطه بین شاخص توانگری مالی و نسبت های مالی در موسسات بیمه ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه قم.
- قنبرزاده، مظفر، جعفرزاده، علی (۱۳۷۶). بررسی اثرات تورم بر بازار بیمه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران.
- کریمی، آیت (۱۳۸۶). نگاهی به شیوه های نظارت بر بازار بیمه ایران. فصلنامه تخصصی آسیا، ۴۲: ۱۹-۲۴.
- مظلومی، نادر (۱۳۸۸). بررسی موانع و به کارگیری سیستم های نوین نظارت مالی در ایران. شانزدهمین همایش ملی بیمه و توسعه.
- میرزایی، حبیب، میرزاخانی، آتوسا (۱۳۷۹). ضرورت و اهمیت نظارت بر توانگری مالی شرکتهای بیمه در شرایط آزاد سازی. فصلنامه صنعت بیمه، ۵۹ (۱۵): ۷۳-۸۲.
- هاشمی، سید عباس، صفری، امیر کمالی دولت آبادی، مهدی (۱۳۸۸). ارزیابی مقایسه ای حاشیه توانگری مالی شرکتهای بیمه دولتی و خصوصی ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان
- Asanga, S. & Asimit, A. & Badescu, A. & Haberman, S. (2014). Portfolio optimization under solvency constraints: a dynamical approach. North American Actuarial journal, 18(3): 394 – 416

- Benjamin, B. (1977).General insurance.Heinemann, London (Published for the institute of Actuaries and the faculty of Actuaries).
- De Wit, GW. & Kastelijin, wm. (1980). The solvency margine: an update for Italian non- life insurers.International Astin bulletin, 1:136-144
- Sandstorm, A. (2007).Solvency- a historical review and some pragmatic solution. Retrieved April 22, 2009.

